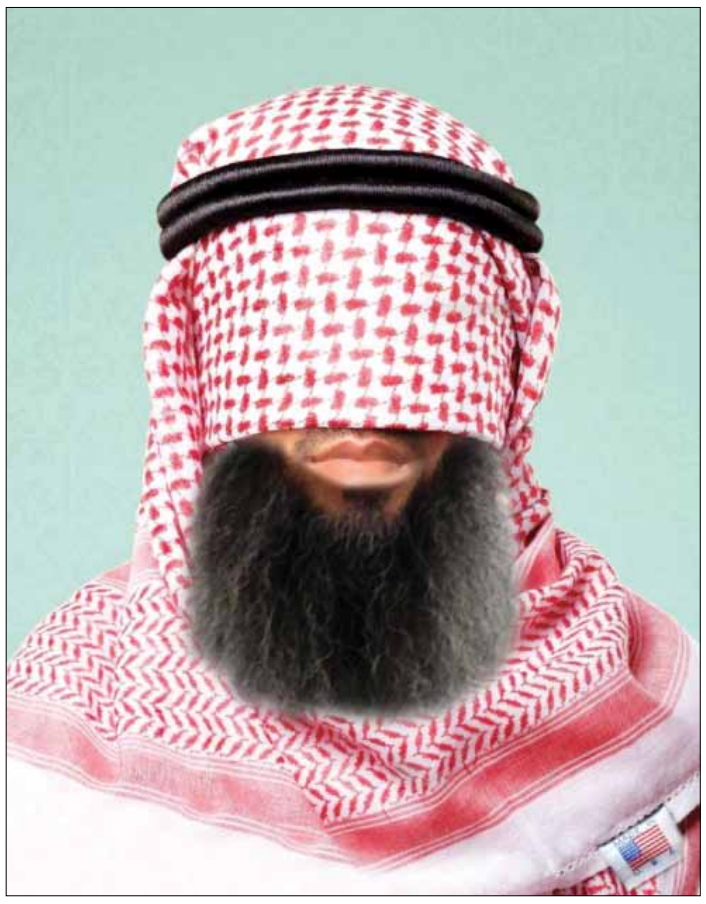

گفتاری از آیت‌الله جعفر سبحانی

بدعت و عوامل رشد آن

■ **بدعت در لغت**

بدعت در لغت عرب به معنی نوآوری است. عرب هرکار بی‌سابقه را «بدیع» می‌نامد و از آنجا که خدا آسمان‌ها و زمین را بدون الگوی سابق پدید آورده است، خود را «بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرْضِ». نامیده است. ولی بدعت در اصطلاح علما، تصرف در قانون الهی است به صورت کاستن چیزی از آن یا افزودن چیزی بر آن. به عبارت دیگر نوعی نوآوری در آیین الهی که سابقه‌ای در کتاب و سنت و دیگر مدارک دینی نداشته باشد.

■ **بدعت از شرک در تقنین ریشه می‌گیرد**

یکی از مراتب توحید، توحید در تقنین و تشریع است یعنی هر نوع قانونگذاری مخصوص مقام ربوبی است چنانکه می‌فرماید: «إِنِ الْحُکْمُ إِلاَّ لِلّهِ» بنابراین هر نوع قانونی بدون دلیل به شریعت الهی نسبت داده شود نوعی شرک در این مرحله است، زیرا هیچ کس حق ندارد قانونی را تصویب کند و آن را به خدا نسبت دهد بدون اینکه در شریعت خدا وارد شده باشد.

چرا تشریع از آن خداست و چرا شارع فقط اوست و جز او قانونگذاری برای بشر نیست؟! زیرا در قانونگذار ۳ چیز شرط است و این سه شرط فقط در ساحت اقدس الهی جمع است.

اولاً: انسان‌شناس کامل است.

ثانیاً: سود و زیانی در جامعه ندارد.

ثالثاً: تحت تأثیر قدرت‌ها و احزاب چپ و راست قرار نمی‌گیرد.

■ **پاسخ یک سؤال**

اگر قانونگذار فقط خداست و تشریع و تقنین از آن او است بنابراین مجلس شورای اسلامی چه سمتی دارد؟

پاسخ: این سوال روشن است کار آنان قانونگذاری نیست بلکه برنامه‌ریزی است آن هم در پرتو احکام الهی و قانون اساسی که بر اساس کتاب و سنت تنظیم شده است. نمایندگان برای پیشرفت مملکت یا دفاع از منافع آن، مقرراتی را تصویب می‌کنند که قوه مجریه آن را اجرا کند.

بنابراین نسبت دادن هر چیزی چه از نظر فکری و چه از نظر عملی به شرع مقدس، در حالی که در شرع چنین چیزی نباشد، بدعت نامیده می‌شود و تنظیم‌کننده آن بدعت‌گذار خواهد بود و در تحقق بدعت شروطی لازم است که به بیان آنها می‌پردازیم.

شرط نخست: قصد تصرف در شریعت الهی

انسان بدعت‌گذار کسی است که می‌خواهد در شریعت خدا دخل و تصرف کند یا از آن چیزی بکاهد یا بر آن چیزی بیفزاید، مثلا رکعتی را بر نماز بیفزاید یا چیزی از آن بکاهد یا عبادتی را به شرع نسبت دهد که در شرع وارد نشده است یا در قوانین مربوط به عقد و ایقاع مانند بیع و اجازه تصرف کند و آن را به شرع نسبت دهد، در حالی که در شرع وارد نشده است.

انسان اگر در عرصه فردی یا اجتماعی کار نویی را عرضه کند ولی به شرع نسبت ندهد بدعت نامیده نمی‌شود ولی در عین حال ممکن است کار شایسته یا ناشایسته باشد. مثلا بازی‌هایی که امروز به عنوان ورزش رایج است کار نویی است ولی بدعت نیست، زیرا به شریعت نسبت داده نمی‌شود. اینکه آیا جایز است یا نه، مساله دیگری است. یا ساختن کاخ‌های چند طبقه، نوعی بدعت در امر ساختمانی است ولی چون انجام چنین کاری را به شرع نسبت نمی‌دهند، بدعت نخواهد بود ولی در عین حال، حلال و حرام بودن آن موضوع جداگانه‌ای است.

در برخی کشورهای اسلامی اختلاط زن و مرد آن هم بدون حجاب شرعی رایج است و مسلماً این کار بدعت نیست، زیرا شرکت‌کنندگان عمل ناشایست خود را به شرع نسبت نمی‌دهند ولی در عین حال حرام است این نوع بازی‌ها و خانه‌سازی‌ها و اختلاط زن و مرد بدعت لغوی است یعنی کار نو و جدیدی است اما بدعت شرعی نیست. در عین حال، اگر چیزی بدعت نبود دلیل بر حلال بودن آن نیست و حلال و حرام بودن آن را باید از راه دیگر به دست آورد.

شرط دوم: نداشتن پشتوانه‌ای در شرع

از آنجا که بدعت، تصرف در شریعت خداست، این تصرف در صورتی تحقق می‌پذیرد که در شریعت اسلام بر آن کار نو، دلیل خصوصی یا عمومی که مورد و غیر مورد را شامل شود، وجود نداشته باشد والا هر عمل نو که ریشه در شریعت داشته باشد شرعاً بدعت شمرده نمی‌شود.

اگر دولت اسلامی ارتش خود را با آخرین سلاح‌های دفاعی امروز مجهز می‌کند که بتواند از آب و خاک کشور دفاع کند، چنین تجهیزاتی به صورت خصوصی در قرآن و سنت وارد نشده اما پشتوانه کلی و عمومی دارد و آن اینکه خدا می‌فرماید: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّه وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَیلِ تُرْهِبُونَ بِه عَدُوَّ الله وَ عَدُوَّکُمْ وَ آخَرِینَ مِنْ دُونِهِمْ لاَ تَعْلَمُونَهُمْ الله یعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفَقُوا مِنْ شَیْءٍ فِی سَبِیلِ الله یوَفَّ إِلَیکُمْ وَ أَنْتُمْ لاَ تُظْلَمُونَ؛ هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها (دشمنان)، آماده سازید! و [همچنین] اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد]، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و [همچنین] گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا [و تقویت بنیه دفاعی اسلام] انفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد».

این آیه به صورت کلی اجازه می‌دهد دولت اسلامی بنیه دفاعی خود را طبق شرایط روز تقویت کند بنابراین هر چیزی که در عرف مردم، سلاح دفاعی شمرده شود، تأسیس و تهیه آن بدعت نیست، زیرا به شرع نسبت داده نمی‌شود و اگر هم به شرع نسبت داده شود، بدعت نخواهد بود زیرا پشتوانه قرآنی دارد.

شرط سوم: اشاعه آن در میان مردم

اگر کسی در زندگی شخصی خود چنین تصرفاتی را انجام دهد یعنی چیزی که در شریعت نیست به آن معتقد شود یا عملا انجام دهد این کار در صورتی بدعت شمرده می‌شود که آن را در میان مردم از طریق نوشتار و گفتار ترویج کند. در غیر این صورت کار حرامی را مرتکب شده ولی بدعت نخواهد بود.

بنابراین در صدق بدعت ۳ شرط لازم است:

* تصرف در شریعت: نسبت دادن کار نو به شریعت

* در شریعت دلیلی بر وجود نباشد؛ نه دلیل عام و نه دلیل خاص

* ترویج آن در میان مردم در قالب کتاب، سخنرانی، رسانه و...

■ **تعریف بدعت نزد عالمان فریقین**

۱- سیدمرتضی (م۴۳۶ق) می‌گوید: «البدعه: الزیاده فی الدین او النقصان منه مع اسناده الی الدین» افزودن چیزی بر دین یا کاستن آن به شرط اینکه کار خود را به دین نسبت دهد.

۲- ابن حجر عسقلانی (م۸۵۲ق) از علمای اهل سنت بدعت را چنین توصیف می‌کند: «البدعه ما احدث و لیس له اصل فی الشرع و ما کان له اصل یدل علیه الشرع فلیس ببدعه» یعنی بدعت نوآوری‌ای است که دلیلی در شرع برای آن نباشد اما اگر اصل و ریشه‌ای در دین داشته باشد هرگز بدعت نخواهد بود. روی تعریف دوم هر نوع نوآوری در امور نظامی و دفاعی که به شرع نسبت داده شود بدعت نیست، چون اصلی در قرآن دارد؛ چنانکه گذشت.

۳- ابن حجر هیثمی بدعت را چنین تعریف می‌کند: «ما احدث و لیس له اصل فی الشرع و ما کان له اصل فی الشرع فلیس ببدعه».

با توجه به تعریف‌های سه‌گانه چیزی نو که به شرع نسبت داده نشود، بدعت نیست ولی ممکن است حرام باشد.

■ **دلایل حرمت بدعت**

عقل و نقل، هر نوع بدعت‌گذاری را تقبیح می‌کنند اما از نظر خرد، هرگاه مقام تقنین و تشریع از آن خدا باشد هر نوع تشریع جدید با قید انتساب به خدا، نوعی تصرف در قلمرو امور الهی است. چه کاری زشت‌تر از اینکه انسان ناتوانی، در قلمرو امور الهی بدون اذن او تصرف کند. به دیگر سخن: ربوبیت از آن خداست و سرنوشت انسان از نظر تشریع در دست او است؛ آدم بدعت‌گذار مدعی مقام ربوبی است که از شؤون خدا است.

اما از نظر نقل کافی است بدانیم اعراب جاهلی برخی چیزها را حرام و برخی دیگر را حلال می‌شمردند و همه را به خدا نسبت می‌دادند. قرآن در تقبیح عمل آنان می‌فرماید: «قُلْ الله أَذِنَ لَکُمْ أَمْ عَلَی الله تَفْتَرُونَ؛ بگو آیا خدا چنین اذنی را به شما داده است یا بر خدا افترا می‌بندید».

گذشته از این، حدیث نبوی بهترین شاهد بر تحریم بدعت است و خطیبان سعودی نیز این حدیث را در آغاز خطبه‌های خود می‌خوانند: «ان احسن الحدیث کتاب الله و خیر الهدی هدی محمد[صلی الله علیه وآله وسلم] و شر الامور محدثاتها؛ بهترین سخن کتاب خدا و بهترین روش، روش پیامبر[صلی الله علیه وآله] و بدترین امور بدعت‌ها (پدیده‌های مخالف دین) است».

افراد سطحی‌نگر در معنی حدیث دچار اشتباه می‌شوند و تصور می‌کنند هر کار نو، بدعت است، لذا نخستین کار نو که در زندگی صحابه پدید آمد، الک کردن آرد بود که سبوس آن را از آرد جدا می‌کردند، در آن موقع یک مرتبه صدا بلند شد؛ گروهی گفتند «شر الامور محدثاتها» در حالی که الک کردن آرد ارتباطی به حدیث رسول گرامی ندارد، زیرا متصدیان این کار هرگز مدعی نبودند ما این کار را به دستور پیامبر گرامی انجام می‌دهیم یا خدا چنین دستوری را به ما داده بلکه غرض آنها خوردن نان لذیذتر بود بنابراین تطبیق حدیث بر چنین کاری و امثال آن حاکی از سطحی‌نگری است. اگر ما هر کار نویی را بدعت بدانیم باید بگوییم زندگی همه مردم در عربستان سعودی غرق در بدعت است؛ از ساختمان‌های چند طبقه گرفته تا خودروهای آخرین سیستم و وسایل سرمایش و گرمایش و رسانه‌های گوناگون همگی نو بوده و در عصر رسالت و حتی قرن‌ها بعد وجود نداشته است.

■ **ریشه‌های بدعت در امور جزئی**

الف- تقدس‌مآبی

یکی از علل رشد بدعت در متن دین، «تقدس‌مآبی» انسان‌های جاهل و نادان است. از باب نمونه: پیامبر گرامی در ماه رمضان با دهان روزه عازم فتح مکه بود، هنگامی که به نقطه خاصی رسید کاسه آبی را طلبید و افطار کرد و قریب به این مضمون فرمود آن خدایی که امر کرده در حضر روزه بگیرم، همان خدا به من امر کرده است در سفر روزه خود را بشکنم و قرآن نیز می‌فرماید: «فَمَنْ کَانَ مِنْکُمْ مَرِیضاً أَوْ عَلَی سَفَر فَعِدَّه مِنْ أَیام أُخَرَ».

اغلب کسانی که در رکاب پیامبر بودند روزه خود را شکستند اما گروهی با دهان روزه به سفر خود ادامه دادند و تصور کردند اگر با دهان روزه به سوی جهاد بروند، فضیلت بیشتری خواهد داشت! شاید شنیده بودند که «افضل الاعمال أحمزها». وقتی خبر تقدس‌مآبی این گروه به پیامبر رسید، در روایت آمده است: «سمّاهم رسولُ الله عصاه» پیامبر آنان را گنهکار توصیف کرد.

تو گویی این خشکه‌مقدس‌ها نخستین آیه از سوره حجرات را نخوانده بودند که خدا می‌فرماید: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاَ تُقَدِّمُوا بَینَ یدَی الله وَ رَسُولِه؛ ای افراد باایمان! بر خدا و پیامبر پیشی نگیرید [جلوتر نروید و عقب‌تر هم نمانید]».

ب- تعصب‌های ناروا

گاهی تعصب‌های ناروا و بیجا، سبب پدیده بدعت می‌شود. شهر طائف در میان قلعه بسیار محکمی قرار داشت به اندازه‌ای که مسلمانان نتوانستند آنجا را بگشایند و به مدینه بازگشتند، سرانجام سران طائف تصمیم گرفتند با پیشنهاد شروطی، اسلام را بپذیرند. گروهی را به مدینه فرستادند تا میان آنان و مسلمانان صلحنامه‌ای به امضا برسد، در آن صلحنامه پذیرش اسلام خود را مشروط به ۴ چیز کرده بودند:

* برپایی بتخانه برای زنان تا ۳ سال

* مردم طائف تجارت‌پیشه‌اند، ربا برای آنان حلال باشد.

* زنانی در طائف هستند که کار آنان روسپیگری است آنان در عمل خود، آزاد باشند.

* خواندن نماز برای ما مشکل است ما از انجام آن معاف باشیم.

صلحنامه به وسیله یکی از صحابه پیامبر نوشته شد، هنگامی که خدمت پیامبر بردند تمام آنها را رد کرد، زیرا چگونه اجازه دهد بتخانه تا ۳ سال سر پا باشد، در حالی که اساس بعثت تمام پیامبران مبارزه با بت‌پرستی است. وقتی بند دوم را برای حضرت خواندند حضرتش این آیه را خواند: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا الله وَ ذَرُوا مَا بَقِی مِنَ الرِّبَا إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید، و آنچه از [مطالبات] ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید».

وقتی بند سوم را برای حضرتش خواندند، این آیه را خواندند: «وَ لاَ تَقْرَبُوا الزِّنی إِنَّهُ کَانَ فَاحِشَه وَ سَاءَ سَبِیلاً؛ و نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بد راهی است».

و آنگاه که بند چهارم را خواندند فرمودند: «لاخیر فی دین لا صلاه فیه؛ دینی که در آن نماز و پرستش خدا نباشد، در آن خیری نیست».

پ- اعمال سلیقه شخصی

گاهی سلیقه‌های شخصی سبب بروز بدعت می‌شود. یاران پیامبر در حجه‌الوداع، «حج إفراد» نیت کرده بودند و تفاوت حج افراد با حج تمتع این است که نخست اعمال حج را انجام داده؛ سپس جدا از حج در ماه‌های بعد مراسم عمره را انجام می‌دادند.

اعراب در صدر اسلام خواه در مدینه و خواه در مکه از حج تمتع رویگردان بودند؛ لذا در ماه ذی‌حجه اعمال حج را انجام می‌دادند و عمره را به ماه‌های بعد مانند رجب و غیره، تأخیر می‌انداختند. هنگامی که پیامبر گرامی به مکه رسید و حضرتش در سعی بود جبرئیل نازل شد و عرض کرد: به همگان برسانید که نیت خود را از حج إفراد، به حج تمتع بازگردانند. پیامبر گرامی به مردم فرمودند: مردم! همین الآن جبرئیل اینجاست و فرمان می‌دهد که از حج إفراد به حج تمتع عدول کنید. عرض کردند: یا رسول‌الله! ما در میقات به نیت حج إفراد مُحرم شده‌ایم. فرمودند: اشکالی ندارد نیت خود را برگردانید اما گروهی از صحابه بشدت با این کار مخالفت کردند و گفتند آیا صحیح است ما حج تمتع انجام دهیم و نتیجه آن این می‌شود که بین اعمال عمره و اعمال حج، از احرام بیرون بیاییم و با همسران نزدیکی انجام دهیم و در حالی که آب غسل از سر و صورت ما می‌ریزد به سوی عرفات روانه شویم. این نوع سلیقه شخصی آنان را از عمل به دستور پیامبر رویگردان کرد و اگر هم انجام دادند بشدت از عمل خود ناراحت بودند لذا هنگامی که برخی بر مسند خلافت نشستند از حج تمتع جلوگیری کردند هر چند این تحریم اثری در میان مسلمانان نگذاشت. شیخ کلینی حدیثی از امیر مؤمنان(ع) درباره کسانی که سلیقه شخصی خود را در دین اعمال می‌کنند نقل می‌کند: «ایها الناس! انّما بدءُ وقوع الفتن اهواء تُتَّبَعَ و احکام تُبتَدَع یخالَفُ فیها کتابُ الله؛ همانا ریشه فسادها و فتنه‌ها [در میان مردم] از پیروی از خواسته‌های نفس و بدعت‌هایی سرچشمه می‌گیرد که برخلاف قرآن [و احکام الهی] صادر می‌گردد».

شایسته است از این بحث کلی نتیجه‌گیری کنیم و مواردی را مورد بررسی قرار دهیم.

■ **تقسیم بدعت به حسنه و سیئه**

در میان برخی فقیهان اسلامی بدعت به ۲ قسمت تقسیم می‌شود: بدعت حسنه و بدعت سیئه.

آیا این تقسیم صحیح است؟

باید دید مقصود از بدعت در این جمله چیست؟ اگر مقصود بدعت لغوی یعنی کار نو ولی بدون وابستگی به شریعت است، این تقسیم صحیح است، زیرا کارهای نو در جامعه گاهی به صلاح انسان است مانند دستگاه تهویه یا وسایل سریع‌السیر و گاهی به ضرر او است مانند سلاح‌های کشتار جمعی. در اینجا می‌توان گفت این نوع کارهای نو که در جامعه پدید آمده است گاهی زیبا و گاهی دیگر نازیباست.

ولی اگر این دو نوع کار را به شرع نسبت بدهیم، مسلماً این تفسیر صحیح نیست، زیرا تصرف در قانون خدا مطلقاً بد و نازیباست و هیچ بدعتی در جهان نمی‌تواند زیبا باشد. اکنون به ریشه این اصطلاح پی می‌بریم.

■ **صلاة تراویح**

پیامبر گرامی نوافل شب‌های ماه رمضان را به صورت فرادی می‌خواند، یکی- دو بار هم که خواست در مسجد برگزار کند برخی مسلمانان به او اقتدا کردند. حضرت از این کار ناراحت شد و دیگر شب‌های ماه رمضان برای انجام نوافل به مسجد نیامد. از آن زمان به بعد هم مسلمانان نوافل شب‌های رمضان را در مسجد و خانه به صورت فرادی انجام می‌دادند. در دوران خلافت عمر بن خطاب این مساله دگرگون شد. او مشاهده کرد که نمازگزاران در گوشه و کنار مسجد به صورت فرادی یا به صورت جماعت‌های مختلف مشغول نوافل هستند پس تصمیم گرفت امامی برای آنها تعیین کند که همگی به صورت دسته‌جمعی نماز بخوانند. فردا شب یا شب بعد از آن وارد مسجد شد، دید همگان به اُبَی بن کعب اقتدا کرده‌اند، آن موقع این جمله را گفت: «هذه بدعه حسنه» در حالی که این نوع عمل نو که تصرف در قانون الهی بود نمی‌توانست موصوف به حسنه باشد. اما اینکه چرا باید نوافل را در غیرمسجد انجام داد در این مورد حدیثی از پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله را یادآور می‌شویم: «صلوا ایها النّاس فی بیوتکم فإنّ أفضل صلاه المرء فی بیته إلاّ الصلاه المکتوبه؛ همه نمازها را در خانه‌های خود به جا آورید، جز نماز واجب که در مسجد برگزار می‌شود».

با کمال تأسف هنوز هم این بدعت به قوت خود در غالب کشورهای اسلامی پابرجاست در حالی که پیامبر از انجام آن با جماعت اظهار انزجار کرد و مدت‌ها هم همه مسلمانان به صورت فرادی می‌خواندند.

■ **راه پیشگیری از بدعت در دین**

اکنون روشن شد بدعت، پدیده بسیار زشتی است که در کنار شجره دین رشد می‌کند؛ آیا پیامبر اسلام راهی برای پیشگیری آن مشخص فرموده است تا ملاک بازشناسی حق از باطل باشد؟

پاسخ این سوال روشن است؛ حضرتش کسانی را که به ما معرفی کرده‌اند که با پیروی از آنها می‌توان باطل را از پیکر دین جدا کرد. ایشان به گفته محدثان اسلام فرموده‌اند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی؛ دو چیز گرانبها به عنوان یادگار در میان شما گذارده و می‌روم؛ یکی کتاب خدا، دومی عترت و خاندان من است».

بنابراین با مراجعه به این دو یادگار گرانبها می‌توان حق را از باطل جدا و حقیقت دین را از کاستی و فزونی حفظ کرد. در حدیث دیگر خاندان خود را بسان کشتی نوح دانسته و می‌فرماید: «مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق؛ اهل بیت من مانند کشتی نوحند؛ هر کس بر آن کشتی سوار شد نجات یافت و کسانی که بازماندند غرق شدند».

یعنی اگر مسلمانان بر سفینه اهل بیت سوار شوند و از رفتار و گفتار آنان پیروی کنند آیین حق پا برجا می‌ماند و علف هرز، در کنار آن رشد نمی‌کند و حدیث ثقلین پس از حدیث غدیر حدیث متواتر و پس از آن حدیث سفینه است. اگر در طول این ۱۴ قرن این همه فِرَق در سرزمین اسلام رشد کرده به خاطر این است که اکثریت جامعه اسلامی از راهنمایی اهل بیت محروم بودند.

منبع: کتاب «آشنایی با عقاید وهابیان»

پاورقی ۲۲

متن کتاب «تیه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱ سپتامبر

دروغ بزرگ

این سود حاصل از مبادله سهام شرکت هواپیمایی یونایتد ایرلاین (۵ میلیون دلار)، سهام آمریکن ایرلاین (۴ میلیون دلار)، سهام مورگان استنلی (۱/۲ میلیون دلار) و سهام مریل لینچ (۵/۵ میلیون دلار) ثبت شده بود. گزارش دیگری از کمیسیون نشان داد این مقام ارشد دولتی همزمان با وقوع حادثه، در حال نقد کردن ۲/۵ میلیون دلار سود حاصل از فروش سهام شرکت آمریکن ایرلاین بوده که موفق به انجام آن نمی‌شود.

پس از انتشار گزارش کمیسیون امنیتی سهام شیکاگو، سازمان بین‌المللی امنیت سهام (IOSCO) در سطح بین‌المللی تحقیقات گسترده‌ای را در تمام مراکز عمده سهام جهان آغاز کرد و نتایج این گزارش به‌طور مشروح در سایت www.sfgate.com منعکس شد. در کنفرانس خبری ویدئویی پانزدهم اکتبر ۲۰۰۱، IOSCO یک گزارش اجمالی از تحقیقات انجام شده ارائه کرد. اختلاس ثابت شده مقامات دولتی آمریکا در این گزارش که از آن به عنوان «بزرگ‌ترین تخلف مالی دولتی» یاد شد، به صدها میلیون دلار می‌رسد. حساب‌های بانکی اسامه بن‌لادن در سال ۱۹۹۸ به دستور آمریکا در سراسر جهان بسته شده بود و توان مالی گروه طالبان به مراتب کمتر از آن بود که بتواند از «رانت اطلاعاتی» در مراکز تبادلات سهام استفاده کند. پس از جریان بمب‌گذاری در دارالسلام و نایروبی، دولت کلینتون در حرکتی نمادین با دستوری به شماره ۱۳۰۹۰۹ صادر شده از کاخ سفید خواستار انسداد تمام حساب‌های بانکی بن‌لادن و طالبان شد. این اقدام با قطعنامه شماره ۱۱۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۹۸، جنبه بین‌المللی پیدا کرد. دولت کلینتون، مصادره اموال طالبان و بن‌لادن را تا لغو قراردادهای مخابراتی و خدمات ماهواره‌ای این گروه ادامه داد و به این ترتیب تنها کانال‌های مخابراتی و اطلاع‌رسانی آنها را مسدود کرد. پس از این اقدام بین‌المللی که به بهانه «تروریست» بودن بن‌لادن و گروه او صورت گرفت، میلیونر خواندن بن‌لادن امری مضحک می‌نمود. پس از قطعنامه شماره ۱۲۹۶ شورای امنیت در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹، هرگونه کمک مالی و همکاری بانکی با اسامه بن‌لادن در ردیف معاونت و همکاری با تروریست‌ها قلمداد شد.

در چنین شرایطی، چه کسی یا کسانی می‌توانستند هزینه عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر را از سال ۱۹۹۹ (انسداد حساب‌های بن‌لادن) تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بپردازند؟ پس از قطعنامه سال ۱۹۹۹، هیچ نمونه همکاری مالی با بن‌لادن از سوی آمریکا به عنوان ناظر ذی‌نفع این ماجرا گزارش و ثابت نشد، اما حوادث پس از ۱۱ سپتامبر نشان داد که تنها پشتیبان ممکن بن‌لادن در این مدت، ایالات متحده آمریکا بوده و بس. تحقیقات بعد از حادثه تا حدودی کارساز بود و برخی از مجاری دولتی، کمک‌های مالی به بن‌لادن را مشخص کرد؛ اما خیلی زودتر از آنکه اصل ماجرا را آشکار کند، متوقف شد. در میان یاوران مالی بن‌لادن، بانکی به اسم Alex Brown Deutsche Bank، سرمایه‌دار بزرگ آمریکایی است. این بانک با استفاده از رانت اطلاعاتی، یک هفته قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر تمام سهامی که از ۲ شرکت هواپیمایی امریکن ایرلاین و یونایتد ایرلاین در اختیار داشت در بازار بورس به فروش رساند. نشریه سانفرانسیسکو کرونیکال در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۱ در مقاله‌ای با عنوان «سودهای مشکوک بازپس گرفته نشد» به قلم کریستین برت لسن و اسکات وینکور با تاکید بر سوءاستفاده مالی Alex Brown، تا حدی به عمق ماجرا اشاره می‌کند؛ این مقاله از طریق آدرس اینترنتی www.sfgate.com قابل بازخوانی است. رررسی‌ها نشان می‌دهد - A.B KKrongard - مدیرعامل Deutsche Bank- از سال‌های ۱۹۹۸ به بعد، از سوابق درخشانی در ارتش آمریکا برخوردار بوده است.

فرماندهی ستاد، فرماندهی توپخانه و مقام فرماندهی در نیروی دریایی آمریکا از جمله خدماتی است که او می‌تواند به آنها افتخار کند.

A.B KKrongard تا ۲۶ مارس ۲۰۰۱ یکی از ۳ شخصیت برجسته سازمان CIA محسوب می‌شد و هنوز از مشاوران ارشد و مورد اعتماد ریاست سازمان امنیتی آمریکا (CIA) به حساب می‌آید.

ادامه دارد